

بیمه ها، پیشگیری از عوارض بیماری های غیر واگیر را اولویت بدانند



دکتر محمد بشری

امروزه نقش بیمه در تامین سلامت و همچنین در نظام درمان مفهوم جدیدی نیست که نیاز به توضیح و تفسیر پیچیده ای داشته باشد. همه فعالان و سیاستگذاران حوزه سلامت از مکانیزم اثر بیمه بر تامین سلامت مردم اطلاع دارند و حتی شاید بتوان به روشنی ادعا کرد بیمه به یکی از مفاهیم غیر قابل انکار و بدیهی در این حوزه تبدیل شده است.

تا جایی که در بسیاری کشورها چگونگی برخورد با مقوله بیمه و علی الخصوص بیمه سلامت و درمان به یکی از مهم ترین رویکردها و شعارهای انتخاباتی نامزدها تبدیل شده و مردم بر اساس وعده ها و برنامه هایی که نامزدهای انتخاباتی در رابطه با کیفیت، کمیت و چگونگی پوشش بیمه ای ارائه می دهند، تصمیم به رای دادن می گیرند. با توجه به نزدیک شدن ایام رقابت های انتخاباتی مجلس شورای اسلامی، جا دارد نامزدهای محترم در این خصوص نیز تاملی دوباره ای داشته باشند. شاید اثر ارائه یک برنامه مشخص در این خصوص بتواند بهتر از بیان پیام های تکراری که تفاوت معنا داری با پیام نامزد رقیب ندارد، به رای دهنده در انتخاب صحیح کمک کند. صد البته نباید این شعارها و برنامه ها فقط در حد یک پیام انتخاباتی باقی بماند.

فارغ از این مسئله، مروری بر وضعیت بهداشت و درمان سایر کشورها نشان می دهد هنوز هم حتی در کشورهای پیشرفته، کم نیستند خانواده هایی که در نبود پوشش بیمه ای کافی برای برخی بیماری ها، با ابتلاء یک عضو به یکی از بیماری های سخت درمان (صعب العلاج سابق)، خانواده دچار ورشکستگی اقتصادی شود. این مسئله تا آنجا اهمیت دارد که جهت ارزیابی وضعیت اقتصادی

کل و همچنین سیاست گذاری درست بیمه ای، شاخص هایی برای بزرگی اندازه این ورشکستگی ها طراحی شده و جزء معیارهای توسعه یافتگی محسوب می شود.

نکته قابل توجه آن که تقریباً کشوری در دنیا نیست که در آن کمبود بودجه کافی برای بیمه ها جزء چالش های اساسی نباشد. بر این اساس مدیریت بودجه محدود در همه جای دنیا یک اولویت است. اینکه با مقدار مشخصی از بودجه بیمه باید تلاش کرد که طول عمر یک بیمار سرطانی چند ماه افزایش پیدا

کنند یا اینکه به فکر کنترل بهتر بیماری های غیر واگیر یا واگیردار بود تا ده ها نفر با هزینه کم تر از کنترل بیماری سرطانی را تحت پوشش و حمایت قرارداد، چالشی است که به طور جدی سیاست گذاران بیمه ای را به خود مشغول کرده است. تصمیم گیری در این خصوص آنجا ظریف تر می شود که هزینه های کنترل نکردن این بیماری ها در دراز مدت برای جامعه بسیار وخیم تر از کوتاه شدن چند ماهه عمر یک بیمار سرطانی است. این پرسش به مانند یک پرسش چند وجهی از هر طرف که به آن بنگرید یک پاسخ متفاوت با پاسخ دیگر دارد، ولی واقعا کدام پاسخ به نفع جامعه است؟ مگر نه این است که هزینه بیمه را در سطح کلان، جامعه پرداخت می کند؟ کافی است مقطع زمانی نگرش خود را انتخاب کنیم تا ببینیم سیاست گذار بیمه ای کدام راه را می رود. شاید برای یک نتیجه دوساله، پوشش بیمه بیمار سرطانی بهتر باشد ولی برای یک مقطع زمانی ۲۰ ساله حتما کنترل عوارض بیماری های دیگر، پاسخ مساله خواهد بود. در این خصوص بلاشک مرور تجربه ای جهانی می تواند بسیار راهگشا باشد.

واقعیت این است که بهینه عمل کردن بیمه ها در توجه به کنترل بهتر بیماری و در نتیجه به تاخیر انداختن بروز عوارض و قاعدتا افزایش کیفیت زندگی بیمار و صد البته افزایش طول زندگی مفید یک بیمار برای جامعه، جزء محاسباتی است که بیمه ها در بررسی آن بهتر است بازبینی مجدد انجام دهند. صاحب نظران در حوزه دیابت معتقد اند یک بیمار دیابتی پس از ۵ تا ۱۰ سال، در معرض بروز عوارض قابل توجهی قرار می گیرد که می تواند عملا فرد را از گردونه کار و تولید خارج و تبدیل به یک بیمار از کار افتاده با عوارض سنگین در بسیاری از اندام های حیاتی کند. اما اینکه می توان با کنترل بهتر و دقیق تر، بروز عوارض را ده تا پانزده سال به تاخیر بیندازیم به معنای آن است که یک نیروی کار موثر را برای جامعه حفظ کرده ایم و به جای بار برای نظام درمان، برای کل جامعه بازوی کار و سازندگی را فراهم آورده ایم. این محاسبه ای است که سازمان های بیمه گر باید مد نظر داشته باشند.

در سوی دیگر، موضوعی به نام بیماری های غیر واگیر دار وجود دارد که سایه آن شدیداً در حال گسترده شدن است. به طوری که بر اساس محاسباتی که متولیان سلامت در کشور اعلام کرده اند، حدود نیمی از بار بیماری ها مربوط به بیماری های غیر واگیر است. این موضوع تا آنجا حساسیت برانگیز شده است که وزیر محترم بهداشت، درمان و آموزش پزشکی کشورمان از کنترل بیماری های غیر واگیر بعنوان مهمترین اولویت وزارت بهداشت نام می برد. البته با توجه به تغییرات سریع و بی وقفه در ترکیب جمعیتی و توزیع بیماری ها، این موضوع نیز مقوله ای نیست که تصور کنیم صرفاً برای کشور ما است. تجربه جهانی در این خصوص موارد زیادی را یادآوری می کند و همه نظام های سلامت در دنیا و مراکز تحقیقاتی، بین المللی و ملی در مواجهه با چنین موضوعاتی با چالش های جدیدی مواجه شده اند.

اما مسئله اساسی ترکیب دو مقوله ذکر شده است. یعنی چالش اصلی این است که چگونه می توان نقش بیمه ها را در کنترل هزینه های بیماری های غیر واگیر افزایش داد. متأسفانه علی رغم رشد قابل توجه کشور در حیطه های پزشکی، درمانی و سلامت، هنوز شکاف های جدی میان حمایت های بیمه ای در نظام فعلی سلامت با آن چه که باید محصور این نظام باشد؛ وجود دارد.